

مقایسه طرحواره‌های ناسازگار اولیه و شیوه‌های فرزندپروری ادراک شده در زوجین با سبک‌های مقابله مساله‌مدار و هیجان‌مدار

A comparison of early maladaptive schemas and perceived parental rearing behaviors in couples with problem-focused and emotion-focused coping style

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۵/۱۹

Hasani M. MSc[✉], Fathi-Ashtiani A. PhD
Rasoolzadeh-Tabatabaei SK PhD

ملیحه حسنی[✉]، علی فتحی آشتیانی^۱
سید کاظم رسولزاده طباطبایی^۲

Abstract

Introduction: The present study compares early maladaptive schemas and perceived parental rearing behaviors in couples with problem-focused coping styles and emotion-focused coping styles.

Method: This was a causal-comparative study. The sample was selected using convenience sampling and consisted of 158 married female students of Tehran universities. They completed the Young Schema Questionnaire (YSQ), the short Egnä Minnen Beträffande Uppfostran (EMBU-S), and a coping style questionnaire. Data were analyzed using the Mann-Whitney U test and a T-test.

Results: There were significant differences between couples with problem-focused coping styles and emotion-focused coping styles in each of the subscales of early maladaptive schemas and perceived parental rearing behaviors. Couples in the emotion-focused coping style group had higher scores in all subscales of early maladaptive schemas. Furthermore, the couples with an emotional parenting style applied problem-focused coping more frequently, and those with avoidance and over-support parenting styles applied emotional parenting style more frequently.

Conclusion: Results suggest that by providing suitable childhood conditions, in addition to development of the parent-child relationship, individuals develop more effective coping mechanisms in order to better handle stressful situations.

Keywords: Early Maladaptive Schemas, Perceived Parental Rearing Behaviors, Emotional Focused Coping Style, Problem Focused Coping Style

چکیده

مقدمه: در این پژوهش مولفه‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه و شیوه‌های فرزندپروری والدینی ادراک شده را در دو گروه از زوجین با سبک مقابله‌ای مساله‌مدار و هیجان‌مدار مقایسه نمودیم.

روش: در یک مطالعه علی-مقایسه‌ای ۱۵۸ دانشجوی متاهل مونث که در دانشگاه‌های تهران مشغول به تحصیل بودند به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و پرسشنامه‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه یانگ و شیوه‌های فرزندپروری والدینی ادراک شده (EMBU-S) و سبک‌های مقابله‌ای را تکمیل نمودند. داده‌ها با روش‌های آماری آزمون t مستقل و یومن ویتنی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج به دست آمده نشان داد که تفاوت معناداری میان زوجین با سبک مقابله‌ای مساله‌مدار و هیجان‌مدار در تمامی زیر مقیاس‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه و شیوه‌های فرزندپروری ادراک شده وجود دارد. زوجین با سبک مقابله‌ای هیجان‌مدار در تمامی زیر مقیاس‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه نمرات بالاتری را کسب کردند به علاوه زوجینی که شیوه فرزندپروری گرمی عاطفی را ادراک کرده بودند بیشتر سبک مقابله مساله‌مدار را به کار می‌بستند و زوجینی که شیوه طرد و بیش‌حمایت‌گری را درک کرده بودند سبک مقابله‌ای هیجان‌مدار را استفاده می‌نمودند.

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج به دست آمده به نظر می‌رسد که می‌توان با فراهم نمودن شرایط مناسب در دوره کودکی و بهبود روابط والد-کودک، زمینه را برای افزایش کارآمدی افراد در مقابله موثر با شرایط تنش‌زا ایجاد کرد.

کلیدواژه‌ها: طرحواره‌های ناسازگار اولیه، شیوه‌های فرزندپروری ادراک شده، سبک مقابله هیجان‌مدار، سبک مقابله مساله‌مدار

✉ **Corresponding Author:** Department of Psychology, Science and Culture University, Tehran, Iran
E-mail: hassani.malihe@yahoo.com

✉ گروه روانشناسی، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران
۱- مرکز تحقیقات علوم رفتاری، دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله (عج)، تهران، ایران
۲- گروه روانشناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

مقدمه

افراد به منظور جلوگیری، مدیریت و کاهش تنیدگی، تلاش‌های شناختی و رفتاری را انجام می‌دهند که لازاروس و فولکمن آن را مقابله نامیده‌اند. آنها در مفهوم‌سازی، مقابله مسئله‌مدار را از هیجان‌مدار متمایز ساخته و اینگونه تعریف می‌کنند که تلاش‌های مساله‌مدار معطوف تغییر موقعیت تنیدگی‌زا است و عوامل ایجادکننده استرس را هدف می‌گیرد؛ یعنی بر مهار عوامل تنیدگی‌زا به منظور کاهش یا حذف پریشان‌کنندگی آن توجه دارد. در حالی که تلاش‌های هیجان‌مدار معطوف تغییر واکنش‌های هیجانی به فیزیولوژیایی و تنظیم موقعیت‌های هیجانی در جهت کاهش استرس‌زاهای روانی است [۲۰].

مجموعه‌ای از تحقیقات وجود دارد که بر تاثیر شیوه‌های فرزندپروری والدینی با سبک مقابله با استرس تاکید دارد [۱]. یافته‌های این تحقیقات نشان می‌دهند بین شیوه فرزندپروری که فرد در دوره کودکی تجربه می‌کند با سبک مقابله با استرس او در بزرگسالی ارتباط وجود دارد، به گونه‌ای که مراقبت مادرانه و گرمی عاطفی متغیرهای قابل ملاحظه‌ای در پیش‌بینی استفاده از سبک مقابله مساله‌مدار است و مراقبت مادرانه کم و بیش حمایت‌گری متغیرهای قابل توجهی در پیش‌بینی استفاده از سبک مقابله هیجان‌مدار است و افرادی که محبت والدینی کمی را دریافت می‌کنند بیشتر از سبک مقابله‌ای هیجان‌مدار استفاده می‌کنند و کمتر از شیوه مساله‌مدار [۳، ۴، ۵، ۶].

طرحواره‌های شناختی مولفه دیگری است که در نوع سبک مقابله‌ای افراد اثر می‌گذارد. طرحواره‌ها به عنوان نقشه انتزاعی شناختی در نظر گرفته می‌شود که راهنمای تفسیر اطلاعات و حل مساله است. یانگ مفهوم طرحواره‌های ناسازگار اولیه را مطرح می‌کند و معتقد است به دلیل ارضانشدن نیازهای هیجانی اساسی دوره کودکی، تجارب ناگوار دوره کودکی و خلق و خوی هیجانی کودک طرحواره‌های ناسازگار اولیه به وجود می‌آیند. این طرحواره‌ها الگوها یا درون‌مایه‌های عمیق و فراگیری هستند، که از خاطرات، هیجان‌ها، شناخت‌واره‌ها و احساسات بدنی تشکیل شده‌اند، در دوره کودکی یا نوجوانی شکل گرفته‌اند، در مسیر زندگی تداوم دارند، درباره خود و روابط با دیگران هستند و به شدت ناکارآمدند. طرحواره‌های ناسازگار اولیه به علت تمایل بشر به هماهنگی شناختی، برای بقا خودشان می‌جنگند. به گونه‌ای که فرد رفتارهای درونی یا بیرونی انجام می‌دهد تا وضعیت فعلی طرحواره را حفظ کند؛ و طرحواره تداوم یابد. یکی از سازوکارهای اولیه که طرحواره‌ها توسط آن تداوم می‌یابند، سبک‌های مقابله‌ای ناسازگار است [۷].

حال با توجه به تاثیر روابط والد و فرزند در دوره کودکی و شکل‌گیری طرحواره‌های ناسازگار اولیه در این دوره و تاثیر آن بر نوع سبک مقابله‌ای که فرد در بزرگسالی در مواجهه با عوامل تنش‌زا به کار می‌بندد، در این پژوهش به مقایسه این دو متغیر در دو گروه از زوجین با سبک مقابله‌ای مساله‌مدار و هیجان‌مدار پرداختیم.

روش

مطالعه حاضر از نوع مطالعات علی-مقایسه‌ای است. جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه دانشجویان متاهل دانشگاه‌های تهران که در سال ۹۱-۱۳۹۰ مشغول به تحصیل بودند، تشکیل داد که به شیوه نمونه‌گیری در دسترس، نمونه‌گیری را تا زمانی ادامه دادیم که در هر گروه از سبک‌های مقابله‌ای مساله‌مدار و هیجان‌مدار حداقل ۵۰ نفر قرار گرفتند. بدین منظور ۱۵۸ نمونه در وهله اول انتخاب شد و بعد از نمره‌گذاری، ۹۸ مورد در سبک مقابله‌ای مساله‌مدار و ۶۰ مورد در سبک مقابله‌ای هیجان‌مدار قرار گرفتند و سه پرسشنامه زیر را تکمیل نمودند.

پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه یانگ-فرم کوتاه (YSQ-Sf2): این پرسشنامه ۷۵ آیتم دارد که توسط یانگ [۸] بر پایه یافته‌های شمیت و همکاران برای ارزیابی ۱۵ طرحواره ناسازگار اولیه ساخته شده است. این ۱۵ طرحواره در درون پنج حوزه بریدگی و طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، دیگر جهت‌مندی، گوش به زنگی بیش از حد و بازداری و محدودیت‌های مختل، مطابق با حوزه‌های تحولی اولیه قرار گرفته است. هر آیتم بر روی یک مقیاس شش درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود. شمیت و همکاران برای هر طرحواره ناسازگار اولیه ضریب آلفایی از ۰/۸۳ تا ۰/۹۶ به دست آوردند و ضریب بازآزمایی در جمعیت غیربالینی بین ۰/۵۰ تا ۰/۸۲ بود. پژوهش‌های دیگر نیز ساختار عاملی و روایی سازه این مقیاس را تایید کردند [۹]. در ایران آلفای کرونباخ این پرسشنامه را در جمعیت مونث ۰/۹۷ و در جمعیت مذکر ۰/۹۸ گزارش شده است [۱۰]. همچنین تحقیقات دیگر نیز اعتبار و روایی این پرسشنامه را تایید نموده‌اند [۱۱].

پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری والدینی ادراک‌شده (EMBU-S): این پرسشنامه که در اصل برای ارزیابی سبک‌های فرزندپروری والدینی ادراک‌شده توسط بزرگسالان ساخته شده است، دارای ۲۳ آیتم است که بر روی طیف لیکرت قرار گرفته است و ۳ بعد طرد، صمیمیت عاطفی، فزون حمایت‌گری را می‌سنجد. اعتبار فرم کوتاه این پرسشنامه را بر اساس آلفای کرونباخ بین ۰/۷۰ تا ۰/۹۰ گزارش کرده‌اند [۱۲]. اعتبار و روایی این پرسشنامه

متمركز بر حل مسئله و مقابله متمركز بر هیجان مورد بررسی قرار داده است. آزمودنی با یک مقیاس چهار گزینه‌ای لیکرت «همیشه»، «بیشتر اوقات»، «گاهی» و «هیچ وقت» به سوال‌ها پاسخ داده که بر مبنای گزینه‌ای که انتخاب کرده بین صفر تا ۳ نمره می‌گیرد. اعتبار این آزمون توسط پورشهباز به روش تصنیف و با استفاده از روش اسپیرمن- براون محاسبه گردیده و ضریب اعتبار آن برابر ۰/۷۸ به‌دست آمده است.

داده‌ها با استفاده از آزمون t ، تحلیل واریانس و آزمون معناداری یومن ویتنی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

نتایج

نتایج حاصل از میانگین، انحراف معیار و کمینه و بیشینه متغیرهای پژوهش در جدول شماره ۱ نشان داده شده است.

توسط محقق مورد ارزیابی قرار گرفت ضریب اعتبار آن برای سه خرده مقیاس گرمی عاطفی، طرد و فزون حمایت‌گری با استفاده از روش بازآزمایی به ترتیب برای ۰/۸۹، ۰/۸۳ و ۰/۹۳ به‌دست آمد همچنین ضریب آلفای کرونباخ به‌دست آمده نیز برای سه خرده به ترتیب برابر ۰/۸۱، ۰/۶۹ و ۰/۷۷ شد. روایی همگرا این پرسشنامه با پرسشنامه پیوند والدینی برای خرده مقیاس گرمی عاطفی و مراقبت ۰/۷۷ و همبستگی بین نمرات فزون حمایت‌گری در دو پرسشنامه ۰/۷۲ به‌دست آمد. همچنین روایی واگرا آن با پرسشنامه اضطراب بررسی شد که همبستگی خرده مقیاس گرمی عاطفی، طرد و فزون حمایت‌گری با اضطراب به ترتیب ۰/۳۱-، ۰/۵۱ و ۰/۴۵ به‌دست آمد.

پرسشنامه سبک‌های مقابله‌ای: این پرسشنامه در سال ۱۹۸۱ توسط بلینگز و موس تدوین شده است که دو شیوه مقابله

جدول ۱- میانگین و انحراف معیار کل آزمودنی‌ها در متغیرهای مورد بررسی

متغیرها	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف معیار
هیجان‌مدار	۳	۱۲	۱۱/۴۸	۸/۸۰
مساله‌مدار	۷	۳۳	۱۹/۵۵	۵/۴۵
بریدگی و طرد	۲۵	۱۲۹	۴۸/۳۹	۱۹/۴۶
خودگردانی و عملکرد مختل	۲۰	۱۰۵	۳۲/۱۶	۱۳/۵۶
دیگر جهت‌مندی	۱۰	۵۷	۲۴/۳۴	۸/۰۰
گوش به زنگی و بازداری	۱۰	۵۵	۲۹/۵۲	۹/۵۶
محدودیت‌های مختل	۱۰	۴۸	۲۵/۱۹	۸/۹۳
شیوه طرد	۲	۲۸	۱۱/۱۴	۴/۶۳۴
شیوه گرمی عاطفی	۶	۲۶	۱۷/۴۴	۳/۸۳۲
شیوه بیش حمایت‌گری	۹	۳۵	۱۸/۶۲	۵/۰۲۸

جدول ۲- مقایسه بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه در زوجین با سبک مقابله‌ای مساله‌مدار و هیجان‌مدار

طرحواره‌ها	سبک مقابله‌ای	میانگین	انحراف معیار	ارزش t	درجه آزادی	سطح معناداری
بریدگی و طرد	هیجان‌مدار	۵۸/۰۵	۲۲/۵۵	۵/۲۸۳	۱۵۶	۰/۰۰۰۱
	مساله‌مدار	۴۲/۴۸	۱۴/۵۱			
خودگردانی و عملکرد مختل	هیجان‌مدار	۳۸/۹۲	۱۶/۷۱	۵/۳۱۰	۱۵۶	۰/۰۰۰۱
	مساله‌مدار	۲۸/۰۲	۹/۰۶			
دیگر جهت‌مندی	هیجان‌مدار	۲۷/۱۸	۹/۵۹	۳/۶۳۶	۱۵۶	۰/۰۰۰۱
	مساله‌مدار	۲۲/۵۹	۶/۲۹			
گوش به زنگی و بازداری	هیجان‌مدار	۳۲/۸۸	۲۲/۵۵	۳/۵۵۴	۱۵۶	۰/۰۰۰۱
	مساله‌مدار	۲۷/۴۶	۱۴/۵۱			
محدودیت‌های مختل	هیجان‌مدار	۲۷/۸۰	۱۶/۷۱	۲/۹۴۴	۱۵۶	۰/۰۰۰۱
	مساله‌مدار	۲۳/۵۹	۹/۰۶			

جدول ۳- مقایسه بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه در زوجین با سبک مقابله‌ای مساله‌مدار و هیجان‌مدار با آزمون یومن ویتنی

طرحواره‌ها	ارزش Z	سطح معناداری
بریدگی و طرد	-۴/۸۸۲	۰/۰۰۰۱
خودگردانی و عملکرد مختل	-۵/۱۸۶	۰/۰۰۰۱
دیگر جهت‌مندی	-۳/۱۵۷	۰/۰۰۲
گوش به زنگی و بازداری	-۳/۴۲۳	۰/۰۰۱
محدودیت‌های مختل	-۲/۴۶۰	۰/۰۱۴

تمامی زیرمقیاس‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه از نظر آماری معنادار ($P < 0/01$) است. به عبارت دیگر میانگین نمرات زوجین با سبک‌های مقابله‌ای هیجان‌مدار نسبت به زوجین با سبک‌های مقابله‌ای مساله‌مدار بالاتر است. به بیان دیگر زوجین با سبک‌های مقابله‌ای هیجان‌مدار بیشتر دارای طرحواره‌های ناسازگار اولیه هستند.

همچنین تفاوت طرحواره‌های ناسازگار اولیه و شیوه‌های فرزندپروری ادراک‌شده در دو گروه از زوجین در جدول‌های شماره ۲، ۳، ۴ و ۵ به تفکیک نشان داده شده است. همانطور که جداول ۲ و ۳ نشان می‌دهد، تفاوت میان زوجین با سبک‌های مقابله‌ای مساله‌مدار و هیجان‌مدار در

جدول ۴- مقایسه بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه در زوجین با سبک مقابله‌ای مساله‌مدار و هیجان‌مدار

شیوه‌ها	سبک مقابله‌ای	میانگین	انحراف معیار	ارزش t	درجات آزادی	سطح معناداری
شیوه طرد	هیجان‌مدار	۱۳/۵۰	۵/۶۷	۵/۴۵۰	۱۵۶	۰/۰۰۰۱
	مساله‌مدار	۹/۶۹	۳/۱۰			
شیوه گرمی عاطفی	هیجان‌مدار	۱۵/۵۷	۳/۷۴	-۵/۲۰۱	۱۵۶	۰/۰۰۰۱
	مساله‌مدار	۱۸/۵۹	۳/۴۲			
شیوه بیش‌حمایت‌گری	هیجان‌مدار	۲۰/۴۸	۴/۷۳	۳/۷۹۷	۱۵۶	۰/۰۰۰۱
	مساله‌مدار	۱۷/۴۸	۴/۸۸			

جدول ۵- مقایسه بین شیوه‌های فرزندپروری والدینی ادراک‌شده در زوجین با سبک مقابله‌ای مساله‌مدار و هیجان‌مدار با آزمون یومن ویتنی

شیوه‌های فرزندپروری	ارزش Z	سطح معناداری
طرد	-۴/۷۹۶	۰/۰۰۰۱
گرمی عاطفی	-۴/۹۹۸	۰/۰۰۰۱
بیش‌حمایت‌گری	-۴/۰۱۹	۰/۰۰۰۱

جهت‌مندی، گوش به زنگی و بازداری بیش از حد) تفاوت معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، زوجینی که هنگام مواجهه با شرایط استرس‌زا از سبک مقابله‌ای هیجان‌مدار استفاده می‌کنند بیشتر دارای طرحواره‌های ناسازگار اولیه هستند. که همسو با یافته‌های یانگ [۷] می‌باشد. افراد سبک مقابله‌ای ناسازگار را به کار می‌بندد تا با هیجانات آشفته ناشی از برانگیختگی طرحواره‌ها کنار آیند و از آنجایی که فرد با طرحواره‌های احساس راحتی می‌کند و تمایل بشر به هماهنگی شناختی، برای بقا و تداوم طرحواره خود می‌جنگد که یکی از ساز و کارهایی که به کار می‌گیرد استفاده از سبک‌های مقابله‌ای ناسازگار است.

همچنین نتایج دیگر تفاوت معناداری میان زوجین با سبک‌های مقابله‌ای مساله‌مدار و هیجان‌مدار در تمامی زیرمقیاس‌های شیوه‌های فرزندپروری والدینی ادراک‌شده نشان داد. به گونه‌ای که زوجین با سبک مقابله‌ای هیجان‌مدار در شیوه‌های طرد و شیوه بیش‌حمایت‌گری از زوجین با سبک‌های مقابله‌ای مساله‌مدار نمره بالاتری را کسب نمودند، و نمرات زوجین با سبک مقابله‌ای مساله‌مدار در شیوه گرمی عاطفی ادراک‌شده بالاتر شد. که این یافته‌ها همسو با یافته‌های تحقیق توررو و همکاران [۳]، میستر و موریس [۱]، مک و ولفراد، همپل و میلز، [۴] و خوئی‌نژاد [۶] است. به نظر می‌رسد زوجینی که از شیوه فرزندپروری گرمی عاطفی برخوردار بوده‌اند، در دوره

جدول‌های شماره ۴ و ۵ نشان می‌دهد که تفاوت میان زوجین با سبک‌های مقابله‌ای مساله‌مدار و هیجان‌مدار در تمامی زیرمقیاس‌های شیوه‌های فرزندپروری والدینی ادراک‌شده از نظر آماری معنادار است ($P < 0/01$). به عبارت دیگر میانگین نمرات زوجین با سبک‌های مقابله‌ای هیجان‌مدار در شیوه‌های طرد و شیوه بیش‌حمایت‌گری بالاتر از زوجین با سبک‌های مقابله‌ای مساله‌مدار است، اما میانگین نمرات زوجین با سبک‌های مقابله‌ای مساله‌مدار در شیوه گرمی عاطفی بالاتر از زوجین با سبک‌های مقابله‌ای هیجان‌مدار است. به بیان دیگر زوجین با سبک‌های مقابله‌ای هیجان‌مدار بیشتر شیوه‌های فرزندپروری طرد و بیش‌حمایت‌گری را ادراک کرده‌اند ولی زوجین با سبک‌های مقابله‌ای مساله‌مدار بیشتر شیوه فرزندپروری گرمی عاطفی را درک کرده بودند.

بحث

این پژوهش با هدف مقایسه طرحواره‌های ناسازگار اولیه و شیوه‌های فرزندپروری ادراک‌شده در دو گروه از زوجین با سبک مقابله‌ای مساله‌مدار و هیجان‌مدار صورت گرفت. یافته‌های تحقیق نشان داد میان زوجین با سبک‌های مقابله‌ای مساله‌مدار و هیجان‌مدار در تمامی زیرمقیاس‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه (حوزه بریدگی و طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، محدودیت‌های مختل، دیگر

دارند، بیش از پیش پررنگ می‌سازد.

تشکر و قدردانی: شایسته است مراتب سپاس و تشکر خود را از همه کسانی که در کلیه مراحل این تحقیق مرا یاری نمودند، به ویژه دانشجویان گرامی، اعلام دارم.

منابع

- 1- Meesters C, Muris P. Perceived parental rearing behaviors and coping in young adolescents. *Pers Indiv Diff.* 2004;(37):513-22.
- 2- Esmaili M, Alilo M, Bakhshipor A, Sharifi MA. Impact of dysfunctional attitudes and coping styles in patients with essential hypertension. *J Psychol Stud.* 2009;5(2):117-32. [Persian]
- 3- Uehara T, Sakado K, Sato T, Someya T. Do perceived parenting styles influence stress coping in Patient with major depressive disorder? *Stress Health: stress Med.* 1999;15(3):197-200.
- 4- McIntyre Guay J, Coll RS, Dusek T. Perceived parental rearing practices and styles of coping. *J Youth Adolesc.* 1995;24(4):499-509.
- 5- Wolfradt U, Hempel S, Miles JNV. Perceived parenting styles, depersonalization, anxiety and coping behavior in adolescents. *Pers Indiv Diff.* 2003;34:521-32.
- 6- Khoei Nejad GH, Ragaee AR, Moheb Rad T. Relation of perceived parental rearing styles with Feeling of Loneliness in Young daughter. *J Res Knowl Psychol.* 2006;34:75-92. [Persian]
- 7- Yang JE, Klasko JS, Weishaar ME. *Schema therapy: A practitioner's guide.* New York: Guilford press; 2003.
- 8- Yang JE, Long L. *Counseling and therapy for couples.* New York: Thomson publitioning company; 1998.
- 9- Tian OSP, Baranoff J. Young schema questionnaire: Review of psychometric and measurement issues. *Aust J Psychol.* 2007;59(2):78-86.
- 10- Ahi GH, Mohammadifar MA, Besharat MA. Validity and reliability of short form of young schemas questionnaire. *J psychol Educ.* 2007;37(3):5-20. [Persian]
- 11- Sadooghi Z, Aguilar-Vafaie M, Rasoulzadeh-Tabatabaie K, Esfehanian N. Factor analysis of the young schema questionnaire- short form in nonclinical Iranian sample. *J Psychiat Clin Psychol.* 2007;14(2):214-9. [Persian]
- 12- Arrindell WA, Sanavio E, Aguilar G, Sica C, Hatzichristou C, Eisemann M, et al. The development of a short form of the EMBU: Its appraisal with students in Greece, Guatemala, Hungary and Italy. *Pers Indiv Diff.* 1999;27(4):613-28.

کودکی هنگام مواجهه با شرایط مختلف، در عین دریافت حمایت و همراهی خانواده‌شان می‌بایست خودشان تصمیم می‌گرفتند، به گونه منطقی عمل می‌کردند و مسئولیت رفتارشان را می‌پذیرفتند. از این رو مهارت‌های لازم را از ابتدا کسب نموده و در بزرگسالی به هنگام مواجهه با شرایط تنش‌زا، درباره مشکل طرح‌ریزی و به آن عمل می‌کنند. همچنین احتمالاً به دلیل آنکه والدین این افراد درباره مسائل مختلف با آنها مشورت می‌کردند و به نظرات آنها بها می‌دادند، آنها نیز این شیوه را آموخته و در بزرگسالی بکار می‌بندند. به گونه‌ای که برای حل مشکل با دیگران مشورت می‌کنند. اما بالعکس ممکن است علت آنکه در شیوه طرد یا بیش‌حمایت‌گری فرد از سبک هیجان‌مدار استفاده می‌کند ناشی از عدم کسب این مهارت در دوره کودکی باشد. زیرا خانواده فرصت استفاده از توانایی‌ها را برای کودک فراهم نکرده است. بدین شکل که یا همواره او را نادیده گرفته و نظرات خود را تحمیل نموده و یا با حمایت افراطی همه وظایف کودک را به دوش کشیده و احتمالاً این عوامل زمینه‌ساز آن شده که فرد در بزرگسالی در موقعیت استرس‌زا به دنبال کاهش هیجان‌ات تنش‌زا باشد.

نتیجه‌گیری

از آنجایی که رو به رو شدن با وقایع استرس‌زا و یا قرار گرفتن در موقعیت‌های تنش‌زا، در زندگی هر فرد اجتناب‌ناپذیر است، چگونگی و سبک مقابله‌ای فرد در واکنش به این عوامل بسیار حائز اهمیت است. نوع رابطه‌ای که فرد در دوره کودکی با والد خود ادراک کرده است یعنی شیوه فرزندپروری ادراک‌شده و طرحواره‌های ناسازگار اولیه را می‌توان به عنوان عوامل تعیین‌کننده در سبک مقابله‌ای فرد به حساب آورد. همچنین بر اساس یافته‌ها به نظر می‌رسد که نوع سبک مقابله‌ای فرد در بزرگسالی بسیار تحت تاثیر دوره کودکی فرد است و این نقش خانواده و روابط اعضا را به عنوان مولفه‌هایی که اثرات ماندگار و طولانی بر زندگی فرد